

یادداشت

N E W S



محسن علوی

کارشناس اقتصادی

## وقتی حمایت واقعی شغل می‌سازد

در دوره‌های بحران اقتصادی، نخستین لرزش‌ها همیشه در کف اقتصاد آشکار می‌شود؛ همان جایی که بنگاه‌های کوچک و متوسط، با کمترین ذخایر مالی و محدودترین دسترسی به اعتبارات، به‌ار اصلی فشار را بر دوش می‌کنند. برخلاف شرکت‌های بزرگ که از سپر سرمایه‌ای و شبکه‌های اعتباری گسترده برخوردارند، این بنگاه‌ها در برابر هر شوک بیرونی آسیب‌پذیرند و کوچک‌ترین اختلال در جریان نقدی می‌تواند پرداخت دستمزد، تأمین مواد اولیه یا حتی ادامه فعالیت روزانه آنها را با تردید روبه‌رو کند. از همین روست که سیاست مؤثر در چنین شرایطی باید دقیقاً همان نقطه‌ای را هدف بگیرد که بقای چرخه تولید و اشتغال بر آن استوار است: حفظ نیروی کار و پایداری جریان نقدی. ابلاغیه اخیر وزارت اقتصاد برای اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد. در این طرح، بنگاه‌های دارای دو تا پنجاه نفر نیروی کار که شناسه ملی و کد کارگاهی تأمین اجتماعی دارند، می‌توانند به ازای هر نفر مبلغ چهل و چهار میلیون تومان دریافت کنند؛ معیاری که بر پایه لیست بیمه ماه‌های پایانی سال گذشته سنجیده می‌شود و همین اتکا به داده‌های واقعی اشتغال، طرح را از بسیاری تجربه‌های حمایتی پیشین هدفمندتر می‌سازد. اتصال میزان تسهیلات به تعداد کارکنان نیز پیام روشنی دارد: سیاستگذار این بار به جای توزیع منابع بدون نسبت مشخص با اشتغال، مستقیماً عنصر نیروی انسانی را در مرکز طراحی قرار داده است؛ رویکردی که به کارفرما انگیزه مضاعف برای حفظ نیرو می‌دهد، زیرا بخش مهمی از هزینه دستمزد از همین محل قابل جبران است. در کنار این سازوکار، شرط‌گذاری نرخ سود بر حفظ اشتغال، بعد رفتاری سیاستگذار را برجسته می‌کند. در صورتی که بنگاه تمام نیروهای خود را حفظ کند، نرخ سود پایین‌تر خواهد بود و در صورت کاهش سطح اشتغال، نرخ افزایش یافته و حتی جریمه اعمال می‌شود. چنین الگوهایی سال‌هاست در تجربه‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شود؛ جایی که دولت‌ها با ترکیب حمایت مالی و تعهدات مشخص، تلاش می‌کنند از موج بیکاری در دوران رکود جلوگیری کنند. چرا که از دست رفتن شغل، نه تنها یک مسئله فردی، که زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی را فسال می‌کند: کاهش درآمد خانوار، افت مصرف، تشدید رکود و طولانی‌تر شدن مسیر بازگشت اقتصاد. البته موفقیت چنین سیاستی بیش از آنکه به طراحی روی کاغذ وابسته باشد، به سرعت اجرا و دقت نظارت گره خورده است. بسیاری از این بنگاه‌ها به دلیل فقدان سودآوری بلندمدت، بلکه به سبب کمبود نقدینگی کوتاه‌مدت دچار بحران می‌شوند. اگر فاصله ثبت‌نام تا پرداخت کوتاه و شفاف باشد، این حمایت می‌تواند نقشی نجات‌بخش داشته باشد؛ به‌ویژه که مبلغ آن، معادل حدود دو ماه حقوق، قادر است از تعدیل نیرو یا تعطیلی کارگاه جلوگیری کند. اما هرگونه تأخیر یا انحراف منابع، اگرگذاری طرح را کاهش می‌دهد. ازاین‌رو اجرای دقیق، نظارت شفاف و پایش مداوم، شرط تبدیل این اقدام به ابزاری مؤثر در مهار تبعات اقتصادی و اجتماعی بحران است.

“

افت هم‌زمان

تولید، سفارش

و اشتغال نشان

می‌دهد مسئله

صرفاً کاهش

تقاضا نیست؛

چرخه‌ای از

نااطمینانی

شکل گرفته

که افق

سرمایه‌گذاری

را تیره کرده

است

# شامخ و روایت رکود در بنگاه‌ها

داده‌های میدانی فعالان اقتصادی نشان می‌دهد رکود تورمی در حال تعمیق است؛ روندی که با افت فروش، محدودیت نقدینگی و فشار هزینه‌ها، فضای کسب‌وکار را بیش از پیش دشوار کرده است

می‌شود؛ به گونه‌ای که این شاخص در بهمن‌ماه برای دومین ماه متوالی کاهش یافته و در مجموع هفتمین افت خود را از ابتدای سال ثبت کرده است. مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و کوتاه‌مدت در شکل‌گیری این وضعیت نقش دارند؛ از کمبود مواد اولیه و جهش نرخ ارز گرفته تا محدودیت‌های مالی و دشواری دسترسی بنگاه‌ها به منابع نقدینگی. در نتیجه، بخش قابل توجهی از صنایع با ثبت ارقامی کمتر از سطح خنثی ۵۰، ناگزیر در سطحی پایین‌تر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند. در این میان، افزایش شاخص موجودی انبار پدیده‌ای قابل توجه است. این شاخص در بهمن‌ماه به بالاترین سطح ۲۸ ماهه خود از مهر ۱۴۰۲ رسیده است؛ نشانه‌ای که بیش از آنکه بیانگر رونق تولید باشد، بازتاب کاهش تقاضا و انباشت کالا در انبار بنگاه‌هاست. این وضعیت با افت محسوس شاخص سفارشات جدید مشتریان نیز همخوانی دارد؛ شاخصی که در بهمن‌ماه یکی از کمترین مقادیر خود را ثبت کرده و از تضعیف تقاضای بازار حکایت دارد. در حوزه تجارت خارجی نیز روندی مشابه دیده می‌شود. شاخص صادرات کالا برای شانزدهمین ماه متوالی کاهش یافته است؛ کاهش‌ی که بخشی از آن به اختلال در مبادلات بین‌المللی و مشکلات نقل و انتقال ارز بازمی‌گردد. در چنین فضایی، شاخص میزان فروش محصولات نیز برای چهارمین ماه پیاپی نزولی بوده است.

پایام طبیعی این وضعیت، فشار بر بازار کار صنعتی است. شاخص استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در بهمن‌ماه نسبت به ماه قبل با کاهش بیشتری همراه شده و روند نزولی بلندمدت آن همچنان ادامه دارد. افزایش هزینه‌های تولید، محدودیت نقدینگی و افت فروش، بسیاری از بنگاه‌ها - به‌ویژه واحدهای صنعتی متوسط و بزرگ بخش خصوصی - را ناگزیر به کاهش نیروی کار کرده است؛ روندی که از سرایت تدریجی رکود به بازار کار صنعتی حکایت دارد. هم‌زمان، کاهش موجودی مواد اولیه خریداری‌شده نشان می‌دهد زنجیره تأمین همچنان با اختلال مواجه است. بی‌ثباتی ارزی، انحصار در تأمین برخی نهاده‌ها و مشکلات تخصیص ارز، هزینه‌های تولید را افزایش داده و فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد کرده است؛ فشاری که با جهش اخیر نرخ ارز تشدید شده و خود را در افزایش شاخص قیمت خرید مواد اولیه نشان می‌دهد.

## هشدار بنگاه‌ها درباره رکود

دیدگاه فعالان اقتصادی تصویری روشن از مسیری ترسیم می‌کند که اقتصاد کشور در آن گام برداشته است؛ مسیری آکنده از بی‌ثباتی سیاسی، نوسان‌های شدید نرخ ارز، ضعف در حکمرانی اقتصادی و تنگنای مزمن دسترسی به منابع مالی. این مجموعه ناهمگون، نه تنها امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت را از بنگاه‌ها سلب کرده، بلکه احساس امنیت اقتصادی و اعتماد کارآفرینان را نیز به شدت فرسوده است. حاصل چنین فضایی، انباشت ریسک، کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری جدید و تعمیق رکود در سطوح مختلف فعالیت اقتصادی است. نشانه‌های این وضعیت در تمام اجزای اقتصاد بازتاب یافته است؛ کاهش تولید، افت تقاضای مؤثر، رشد هزینه‌ها، تضعیف توان صادراتی و چرخش مستمر بنگاه‌ها به سمت کاهش نیروی کار. ترکیب این مؤلفه‌ها حاکی از آن است که اقتصاد ایران در آستانه ورود به مرحله‌ای عمیق‌تر از رکود تورمی قرار دارد؛ مرحله‌ای که ویژگی اصلی آن، هم‌زیستی فرساینده کاهش ظرفیت تولید با رشد پایدار قیمت‌هاست.



نقدینگی، بسیاری از بنگاه‌ها را ناگزیر کرده است که از میزان استخدام کاسته یا حتی به تعدیل نیروی بپردازند؛ روندی که در صورت تداوم می‌تواند آثار اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری به همراه داشته باشد. در بخش تأمین نیز نشانه‌های آشکار اختلال مشاهده می‌شود. کاهش موجودی مواد اولیه برای پانزدهمین ماه متوالی، بیانگر تنگنای جدی در زنجیره تأمین است؛ تنگنایی که از محدودیت‌های ارزی، افزایش قیمت نهاده‌ها، ساختارهای انحصاری در برخی بازارها و کمبود نقدینگی بنگاه‌ها ناشی می‌شود. استمرار این وضعیت، خطر وقفه در تولید و کاهش بیشتر ظرفیت فعالیت واحدهای اقتصادی را در ماه‌های پیش‌رو افزایش داده است. هم‌زمان فشار هزینه‌ها نیز به شدت افزایش یافته است. شاخص قیمت مواد اولیه در سطوح بسیار بالا باقی مانده و بنگاه‌ها ناچار شده‌اند بخشی از این افزایش هزینه را به قیمت‌نهایی محصولات و خدمات منتقل کنند. در نتیجه، شاخص قیمت محصولات تولیدی و خدمات ارائه‌شده به بالاترین سطح چند سال اخیر رسیده است؛ روندی که به تشدید پدیده رکود تورمی انجامیده و با فاصله‌ای کوتاه می‌تواند خود را در نرخ تورم مصرف‌کننده نشان دهد. در این میان، کاهش مستمر صادرات برای شانزدهمین ماه متوالی نیز فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد کرده و یکی از مهم‌ترین مسیرهای تأمین درآمد و نقدینگی را در شرایط رکود داخلی تضعیف کرده است.

## صنعت زیر فشار رکود و هزینه‌ها

بخش صنعت که همواره یکی از پیشران‌های اصلی رشد اقتصادی به‌شمار می‌رود، در بهمن‌ماه نیز از روند رکودی اقتصاد کشور مصون نمانده است. شاخص مدیران خرید بخش صنعت با ثبت عدد ۴۶۰۰ برای چهارمین ماه متوالی کاهش یافته و نشانه‌ای از تضعیف مستمر فعالیت‌های صنعتی در کشور است. این روند در شاخص مقدار تولید محصولات صنعتی نیز به وضوح مشاهده

روشن از تداوم رکود در بخش واقعی اقتصاد ارائه می‌دهد. شاخص مقدار تولید محصول یا ارائه خدمات در این ماه به ۴۷۰۵ رسیده است؛ عددی که هرچند کاهش ملایم‌تری نسبت به ماه پیش نشان می‌دهد، اما برای بیست‌وسومین ماه متوالی پایین‌تر از مرز خنثی ۵۰ باقی مانده و از استمرار محدودیت در ظرفیت فعالیت بنگاه‌ها حکایت دارد. مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و کوتاه‌مدت در شکل‌گیری این وضعیت نقش داشته‌اند؛ از تقاضای ضعیف و نوسانات شدید نرخ ارز گرفته تا اختلال در تأمین مواد اولیه و محدودیت‌های مالی که دسترسی بنگاه‌ها به سرمایه در گردش را دشوار ساخته است. در سمت تقاضا، نشانه‌های رکود حتی آشکارتر است. شاخص سفارشات جدید مشتریان با ثبت عدد ۴۴۰۶ برای بیست‌وچهارمین ماه متوالی در محدوده رکودی قرار گرفته است؛ روندی که بازتاب مستقیم تضعیف قدرت خرید خانوارها و کاهش تمایل به مصرف در فضای تورمی اقتصاد ایران است. تداوم تورم بالا، افت ارزش پول ملی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی موجب شده حتی در مقاطع فصلی که معمولاً با افزایش تقاضا همراه است، بازار نشانه‌ای از رونق بروز ندهد. در نتیجه، رکود تقاضا به تدریج به بخش تولید سرایت کرده و فضای کسب‌وکار را در چرخه‌ای از کاهش تولید، افت فروش و محدودیت سرمایه در گردش قرار داده است؛ چرخه‌ای که خروج از آن نیازمند بهبود هم‌زمان شرایط کلان اقتصادی و تقویت قدرت خرید در سمت تقاضا خواهد بود.

## اختلال در زنجیره تأمین

پیامدهای رکود تنها به تولید و تقاضا محدود نمانده و به تدریج بازار کار و زنجیره تأمین را نیز دربر گرفته است. شاخص اشتغال در بهمن‌ماه با ثبت پایین‌ترین سطح چهارماهه و قرار گرفتن برای نهمین ماه متوالی زیر مرز ۵۰، نشانه‌ای از ورود تدریجی رکود به بازار کار است. افزایش هزینه‌های تولید، کاهش فروش و تنگنای

در اقتصاد، گاه یک عدد خام می‌تواند سرنوشت یک دوره را روایت کند؛ عددی که نه فقط وضعیت اکنون را نشان می‌دهد، بلکه ضرب‌آهنگ ماه‌های پیش‌رو را نیز آشکار می‌سازد. شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد یکی از همین سنجه‌هاست؛ آینه‌ای که در آن می‌توان ذهنیت فعالان اقتصادی، انتظار آنان از آینده و عمق رکودی را دید که لایه‌به‌لایه در تار و پود کسب‌وکارها رسوخ کرده است. تازه‌ترین نظرسنجی میدانی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران - پیش از آغاز جنگ رمضان - تصویری روشن اما نگران‌کننده ارائه می‌کند: رکود تورمی نه تنها استمرار یافته، بلکه به مرحله‌ای رسیده که تفسیر آن بدون توجه به فرسایش اعتماد و تضعیف تقاضای مؤثر ممکن نیست. شامخ کل اقتصاد در بهمن ۱۴۰۴ با ثبت عدد ۴۶۰۴، برای بیست‌وسومین ماه پی‌درپی زیر سطح خنثی ۵۰ قرار گرفته است؛ مرزی که گذر نکردن از آن، معنایی جز رکود مستمر ندارد. هرچند شدت کاهش نسبت به ماه قبل اندکی ملایم‌تر شده، اما روند کلی همچنان حکایت از توقف موتور تولید، فرسایش قدرت خرید و تشدید نااطمینانی دارد. افت هم‌زمان پنج مؤلفه اصلی شامخ - از میزان تولید و سفارشات جدید تا سرعت تحویل، موجودی مواد اولیه و سطح اشتغال - نشان می‌دهد که رکود، یک پدیده مقطعی نیست؛ مسیری است که اقتصاد بر آن لغزیده و خروج از آن بدون مداخله هدفمند دشوار خواهد بود. سایه جنگ و بی‌ثباتی‌های کلان نیز بر این فضا سنگینی کرده است؛ به‌طوری که فعالان اقتصادی از کاهش محسوس تولید و فروش در دوره نظرسنجی سخن می‌گویند. شامخ، این بار فقط یک شاخص نیست؛ روایت فشرده‌ای از اقتصادی است که زیر بار هزینه‌ها خم شده و در جست‌وجوی نشانه‌ای از احیا، چشم به آینده دوخته است.

## افت تولید و رکود تقاضا

داده‌های شاخص مدیران خرید در بهمن‌ماه تصویری

## فرصت کشاورزی فرامرزی برای ایران

اوراسیا با منابع گسترده، فرصتی تازه برای تقویت امنیت غذایی و کاهش فشار بر منابع داخلی است

وبیمه‌ای و همکاری نزدیک با دولت‌های میزبان است. نقش بخش خصوصی در این فرآیند تعیین‌کننده بوده و بدون مشارکت شرکت‌های کشاورزی و صنایع غذایی، امکان توسعه پایدار این راهبرد محدود خواهد شد. از نگاه او، نگاه زنجیره‌ای در این حوزه ضروری است؛ به‌طوری که تولید محصولات کشاورزی باید همراه با توسعه صنایع فرآوری، ذخیره‌سازی و صادرات دنبال شود تا ارزش افزوده واقعی برای کشور ایجاد شود. صرف تولید مواد خام در خارج از کشور نمی‌تواند اهداف بلندمدت امنیت غذایی را محقق کند و اتصال تولید به زنجیره ارزش شرط اصلی موفقیت است. مجموع این عوامل نشان می‌دهد کشت فراسرزمینی در اوراسیا یکی از فرصت‌های راهبردی اقتصاد ایران است؛ فرصتی که در صورت برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت اثر بخش بخش خصوصی، می‌تواند امنیت غذایی را تقویت کرده و فشار بر منابع طبیعی را کاهش دهد. اوراسیا ظرفیت آن را دارد که به شریک راهبردی ایران در تأمین پایدار غذا و توسعه کشاورزی مدرن تبدیل شود.

خارجی، مشوق‌های متنوعی برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته‌اند. او معتقد است انتقال بخشی از تولید محصولات استراتژیک مانند غلات، دانه‌های روغنی و خوراک دام به اراضی دارای منابع آب فراوان، می‌تواند علاوه بر کاهش هزینه‌ها، فشار بر منابع داخلی را کاهش دهد. نزدیکی جغرافیایی اوراسیا به ایران نیز مزیت مهمی در کاهش هزینه حمل‌ونقل و تسهیل تجارت ایجاد کرده و توسعه کریدورهای ترانزیتی شمال-جنوب، ریسک‌های لجستیکی را کاهش داده است. این موضوع مزیتی رقابتی نسبت به سرمایه‌گذاری کشاورزی در مناطق دوردست جهان به همراه دارد.

## نیازهای اجرایی

تحقق کشت فراسرزمینی نیازمند چارچوب‌های حقوقی، مالی و سیاستی روشن است. آزادواری تأکید می‌کند سرمایه‌گذاری کشاورزی در خارج از کشور مستلزم توافقات بلندمدت، تضمین حقوق مالکیت، ایجاد سازوکارهای بانکی

امنیت غذایی در سال‌های اخیر به یکی از ارکان اصلی ثبات اقتصادی و ملی کشورها تبدیل شده و محدودیت منابع آب و خاک، ضرورت بهره‌گیری از راهبردهای نوین تأمین غذا را برجسته کرده است. در چنین شرایطی، کشت فراسرزمینی در منطقه اوراسیا به عنوان رویکردی کارآمد مطرح است؛ رویکردی که می‌تواند ضمن تأمین پایدار محصولات اساسی، زمینه همکاری‌های اقتصادی و توسعه زنجیره تأمین را تقویت کند.

## مزیت‌های اوراسیا

کشت فراسرزمینی در کشورهای منطقه اوراسیا، به‌ویژه آسیای مرکزی و قفقاز، با توجه به دسترسی به اراضی حاصلخیز، منابع آب مناسب و هزینه‌های تولید پایین‌تر، ظرفیت قابل توجهی برای ایران ایجاد کرده است. مهدی آزادواری، رئیس انجمن سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایرانی و خارجی اتاق بازرگانی ایران، می‌گوید بسیاری از این کشورها با هدف افزایش بهره‌وری و جذب سرمایه